



خواجه عبدالله انصاری (انصاری هروی)
شیخ الاسلام، ابواسماعیل، عبدالله بن ابی منصور محمد معروف به پیر هرات و پیر انصار و خواجه عبدالله انصاری. دانشمند و عارف بود. وی از اعقاب ابویوب انصاری است. مادرش از مردم بلخ است و عبدالله خود در هرات متولد شد و از کودکی زبانی گویا و طبعی توانا داشت، چنان که شعر پارسی و تازی را نیکو می‌سرود و در جوانی در علوم ادبی و دینی و حفظ اشعار عرب مشهور بود و به خصوص در حدیث قوی بود و امالی بسیار داشت و در فقه، روش امام جنبل را پیروی می‌کرد. وی در تصوف از شیخ ابوالحسن خرقانی تعلیم گرفت و جانشین او بود. محل اقامتش بیش‌تر در هرات بود و در آن‌جا تا پایان زندگانی به تعلیم و ارشاد اشتغال داشت. انصاری شعر می‌سرود؛ ولیکن بیشتر شهرت وی به جهت رسالات و کتب مشهوری است که تألیف کرده است ترجمه املاء طبقات‌الصوفیه سلمی به لهجه هروی و تفسیر قرآن که اساس کار مبینی در تألیف کشف‌الاسرار قرار گرفته است، از رسائل منثور اوست که به نثر مسجع نوشته، مناجات‌نامه، نصایح، زاد‌العارفین، کنز‌السالکین قلندرنامه، محبت‌نامه، هفت‌حصار، رساله دل و جان، رساله واردات و الهی‌نامه را می‌توان نام برد. تولد انصاری به سال ۳۹۶ هـ.ق. ۱۰۰۶ م. و مرگ وی به سال ۴۸۱ هـ.ق. ۱۰۸۸ بوده است. (فرهنگ فارسی معین، اعلام ذیل عبدالله)



معنی

به نام آن فدایی که نام او مایه آرامش و آسایش و شادمانی روح است و پیغام او کلید گشایش کارهاست. سلام او در وقت صبح و بامداد برای مؤمنان شراب بامدادی است. ذکر او مرهم دل مهروح است و مهر او برای مصیبت‌زدگان، کشتی نجات است.

الهی : در دل‌ها جز بذر محبت خود مکار و بر تن و جان‌های ما جز لطف و مهربانی خود مگذار و بر نتایج اعمال ما (کاشته‌ها) جز باران رحمت خود مبار.

الهی : اگر گوییم، حمد و ستایش تو می‌گوییم و اگر می‌جوئیم، رضایت تو را می‌طلبیم.

الهی : نام تو برای ما پروانه و اجازه عبور است و مهر تو برای ما بهییزه این دنیای ماست.

الهی : با شرافت تو امان و آسایش پیدا می‌کنیم و لطف تو برای ما آشکار است.

الهی : زیر پرچم فضل تو هستیم و سایه رحمت تو برای ما مسکن و جایگاه آرامش ماست.

الهی : مگوی که چه کرده‌ای که هیران و سرگشته می‌شویم.



کلمه ها و ترکیب های تازه


راحت روح: شادمانی، آسایش و سرور.

راحت روح از عذاب جمل در علم است از آنگ
چیز به علم از جان کس ریمان راحت نشکفید
(ناصر خسرو)

سایه فورشید سواران طلب
رنج خود و راحت یاران طلب
(نظامی)

مفتاح: کلید و هر چه بدان پیزی بکشایند. کلید مأخذ از یونانی Kleiss و (Kleidos) معرب آن «اقلید»
و «اللیل» و «مقلد»: ابزاری که به آن قفل را می کشایند و می بندند.

زکوی مغان رخ مگردان که آنجا
فروشدن مفتاح مشکل کشایی
(حافظ)



کلمه ها و ترکیب های تازه

فتوح: گشایش و گشاد کارها، حاصل شدن پیزی از آنچه توقع آن نباشد.

طمع کم کن تا گم بیش یابی
فتوحی بر فتوح فویش یابی
(نظامی)

در اصطلاح صوفیه به معنی مال و نعمتی که درویش یا پیر را به رایگان چون نذر و مانند آن آرند:
از آن فتوحی که تو را دوش بوده است، مرا نصیبی کن (نکره الاولیا)

صباح: بامداد، صبح

چه فوش باشد آهنگ نرم فرین
به گوش هریغان مست صبح
(سعدی)



کلمه ها و ترکیب های تازه



کشتی نوح : (ک/ک) در پهلوی Kashtik، کشتی نجات
کشتی بوده که نوح در طوفان معروف زمان خود بر آن نشست و این کشتی بعدها در موردی به زمین نشست.
در قاموس کتاب مقدس این کشتی چنین تعریف شده است:
طولش ۴۵۰ قدم و عرضش ۷۵ قدم و ارتفاعش ۴۵ قدم بود و آن را سه طبقه بود و خود کشتی از چوب
سافته و از درون و بیرون با قیر اندود گشته بود:
هر شبایی کشتی نوح است در بیهوشی ما
با کمال نازکی افکار ما بی مغز نیست
(عنانب)

کشته: (ک/ت/ت) : کاشته شده، زراعت شده منظور نتایج اعمال بندگان
منزع سبز فلک دیدم و داس مه نو
یادم از کشته فویش آمد و هنگام درو
(ما فظ)



کلمه ها و ترکیب های تازه



ثنا: حمد و ستایش، شکر، دعا، درود
ثناگوی شاه جهان با شری
اگر مملکت را زبان باز شری
(کلیده و دمنه)
پرواز: پروانه و اباره نامه عبور؛ پروانه گزشتن از بایی و داخل شدن در بایی، اجازه نامه
بهار: آنچه از اثاث و ملک که عروس به خانه داماد برد.
عیان: آشکار
لوا: لوا، پرچم، درفش، رایت
کنف: کراشه، ناهیه، طرف، جانب، سایه یعنی سایه رحمت تو
مأوی: مأوا، جایگاه، مقام، خانه، جای سکونت
دروا: سرگشته، هیران، در میان هوا، وا به معنی بار و هم چنین نام فرشته بار است این کلمه (وا) از وزیدن
مشتق است.



انواع ادبی



✚ انواع ادبی در ردیف نظام هایی از قبیل سبک شناسی و نقد ادبی است.

✚ موضوع اصلی انواع ادبی، طبقه بندی از نظر ماده و صورت است.

✚ انواع ادبی، یکی از شعبه های مهم ادبیات است که برای طبقه بندی آثار ادبی استفاده می شود.

✚ با تأثیر دید علمی بر روی تمام شئون زندگی انسان، انواع ادبی، اهمیت بیشتری پیدا کرد.

✚ در انواع ادبی هدف اصلی طبقه بندی آثار ادبی بر حسب سافتمان درونی و سافتاری آنهاست.



ادبیات غنایی



- اشعاری است که احساسات و عواطف شفصی را بیان می کند.
- در فارسی، ادب غنایی به صورت داستان، مرثیه، مناجات، بٹ الشکوی، گلایه و تغزل در قالب های غزل، مثنوی، رباعی و مٹی قصیده مطرح می شود.
- مهم ترین قالب ادبیات غنایی، غزل است.
- در ادب غنایی پیشرفته، با معشوق نمادین و خیالی و اساطیری مواجهیم که به هیچ وجه دست یافتنی نیست.
- جلوه ادب غنایی در سبک عراقی است.
- ادب غنایی بیشتر در قالب های غزل، مثنوی و رباعی است.



ادبیات حماسی



- حماسه یعنی دلاوری و شجاعت و شرح تاریخ قبل از دوران تاریخی است.
- حماسه گاهی به لحاظ اسطوره شناسی، دارای سافت بسیار کهنی است.

● حماسه

● سنتی

● ثانوی

● متأخر



مفاهیم حماسه



- الف - شامل جنگ آوری، شجاعت ها و شهسواری هاست.
- ب - در حماسه، میوانات نقش مهمی دارند.
- ج - قهرمان حماسه، جانور مهربانی رامی کشد.
- د - گیاهان عجیب با خواص جادویی خاص وجود دارند.
- ه - قهرمانان حماسه، موجودات مافوق طبیعی و گاهی از خودآزادگان هستند.
- و - در حماسه، نیروهای متافیزیک نقش دارند.
- ز - زنی عاشق قهرمان حماسه می شود ولی قهرمان به آن زن توجهی نمی کند.
- ح - قلمرو قهرمان حماسه، همه آفاق است.
- ط - اعمال قهرمان حماسه غیر طبیعی است.
- ی - قهرمان حماسه، همواره با یک ضد قهرمان رو به روست.
- س - قهرمان حماسه سفرهای دراز و مخاطره آمیز در پیش دارد.
- ع - قهرمان حماسه، اعمال بزرگی انجام می دهد که جنبه ملی و معنوی دارد.
- ف - نبرد تن به تن قهرمان با دشمن.
- ض - در جنگ های تن به تن، از انواع سلاح ها استفاده می شود.
- ص - یکی از ابزارهای جنگی، فریب است و مکار بودن از جنبه مثبت، از صفات قهرمان حماسه است.
- غ - در حماسه، سفن از دیوان و غولان و جادوست.



ادبیات حماسی

در این قسمت داستان ایرج که از شاهنامه انتقاب شده، به عنوان نمونه ای از ادبیات حماسی ارائه می شود.
ابتدا خلاصه داستان:



داستان ایرج

بیا تا جهان را به بد نسپریم	به کوشش همه دست نیکی بریم
نباشد همی نیک و بد پایدار	همان به که نیکی بُود یادگار
همان گنج دینار و کاخ بلند	نخواهد بَدَن مر تورا سودمند
سخن مانداز تو همی یادگار	سخن را چنین خوارمایه مدار
سخن را سخن دان زگوهر گزید	ز گوهر و را پایه برتر سزید
توای آنکه گیتی بجویی همی	چنان کن که برداد پویی همی
فریدون فرخ فرشته نبود	ز مشک و ز عنبر سرشته نبود



داستان ایرج

به داد و دهش یافت آن نیکویی
فریدون ز کاری که کرد ایزدی
یکی پیش تر بند ضحاک بود
دو دیگر که گیتی ز نابخردان
سه دیگر که کین پدر باز خواست
جهانا چه بد مهر و بدگوهری
نگه کن کجا آفریدون گرد
تو داد و دهش کن فریدون تویی
نخستین جهان را بشُست از بدی
که بیدادگر بود و ناپاک بود
بپرداخت و بستدز دستِ بدان
جهان ویژه بر خویشان کرد راست
که خود پرورانی و خود بشکری
که از پیر ضحاک شاهی ببرد



داستان ایرج

بُدد در جهان پانصد سال شاه
جَهانِ جَهان دیگری را سپرد
چنینیم یکسر که و مه همه
به آخر بشد، ماندازو جایگاه
به جز درد و اندوه چیزی نبرد
تو خواهی شبان باش و خواهی رمه



حکیم ابوالقاسم فردوسی
بزرگ ترین حماسه سرای ایرانی و یکی از بزرگ ترین حماسه
سرایان جهان که به سال ۳۲۹ هـ. ق. متولد شد و در سال ۴۱۱
هـ. ق. وفات یافت. شاهنامه وی در شمار بهترین آثار حماسی
دنیاست و به زبان های مختلفی ترجمه شده است. وی در باژ، در
نزدیکی طوس، به دنیا آمد و از همان اوان جوانی به شاعری
پرداخت. در ۳۷۰ کار سرودن شاهنامه را آغاز کرد و در ۴۰۰ یا ۴۰۱
آن را به انتها رساند و به محمود غزنوی ارائه نمود. محمود ترک
تبار در آغاز قدر این اثر را نشناخت و کم لطفی وی موجبات
آزار فردوسی را فراهم آورد و سلطان زمانی به فکر دل جویی از
حکیم افتاد که دیگر نوشداروی پس از مرگ سهراب بود. نوشته
های وی ساده، صریح، روان، منسجم، متین و با قدرت است.



ادبیات تعلیمی



- اثر ادبی تعلیمی، اثری است که یک دانش
عملی یا نظری را به خواننده ارائه می کند.
- ادبیات تعلیمی ممکن است تخیلی باشد.